

یک دهه هشتادی که رفیق خزندگان و دوزیستان است

گفت و گو با پسر ۱۹ ساله‌ای که نام گونه‌وزیر گونه‌های خزندگان و دوزیستان را حتی اگر عجیب و غریب باشند به‌طور کامل می‌داند و با داشتن یک خانواده حمایتگر مسیرش را در حوزه حیات وحش پیدا کرده است

اکرم انتصاری | روزنامه‌نگار

پرونده

«الوند محمد علیزادگان» ۱۹ ساله و دانشجوی کارشناسی علوم مهندسی محیط زیست است. بیشتر ویدئوهایش را با «خب چیزی که ما اینجا داریم...» شروع می‌کند، نام گونه‌وزیر گونه‌آن را حتی اگر عجیب و غریب باشد، کامل می‌داند، در ویدئو درباره خزندهای که کنارش است یا در دست دارد توضیح می‌دهد، جزئیاتش را می‌گوید و رفتار آن گونه را در موقع شکار بررسی می‌کند. در اینستاگرام ۱۶ هزار نفر دنبال کننده دارد و هر بار که یک پست جدید می‌گذارد خیلی‌ها محو او و دانشش یا حتی خزندها و دوزیستانی می‌شوند که تا الان شاید حتی اسم‌شان را نشنیده بودند. او در دبیرستان، علوم تجربی خوانده و از زمانی که یادش می‌آید حیوانات را بیش از اندازه دوست داشته است. این علاقه باعث شده او برای ادامه مسیر تحصیلی‌اش رشته‌ای را انتخاب کند که با این علاقه، هماهنگ است. البته در تمام این سال‌ها الوند با تشویق پدر و مادرش که حامی همیشگی او بودند به راهش ادامه داده است. الوند جزو جوانانی است که برای هدفش سفر می‌کند. برای مثال برای دیدن مار افعی شاخ‌دار عربی یا افعی دم‌عنکبوتی به شن‌زارهای خوزستان می‌رود یا وقتی همه در رودخانه به دنبال عکس گرفتن و جوجیز دن هستند، او را باید در کنار زیستگاه سمندر ها پیدا کرد. بیشتر محتوای صفحه‌اش هم نتیجه همین دیدارها و توضیحاتی درباره آن‌هاست. حتی وقتی چند ماه پیش ماری را در قسمت اداری یک شرکت در جنوب تهران دیدند عکسش را برای الوند فرستادند. او با دیدن عکس فهمید با یک افعی سوسن مواجه است و مار را تحویل گرفت تا ضمن بررسی سلامتی‌اش آن را در زیستگاه خودش رها سازی کند. پرونده امروز زندگی‌سلام حاصل گفت‌وگو با این پسر جوان و پرانگیزه درباره مسیری است که انتخاب کرده.



ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

پنج شنبه ۹ شهریور ۱۴۰۲

۱۴ صفر ۱۴۴۵ • ۲۱ آگوست ۲۰۲۲

شماره ۲۱۳۹۸

۲۵۱۸



همیشه از نزدیک شدن به خزندگان... بدون دانش تخصصی و تجربه لازم، خطرناک است

از ۷ سالگی سرکلاس

راهنمایان گردشگری!



همان‌طور که گفتیم بیشتر محتوای صفحه الوند درباره مواجهه او با خزندگان و دوزیستان در طبیعت است. وقتی از او می‌پرسیم چطور و چه چیزی باعث شد تا این مسیر را انتخاب کند، می‌گوید: «من از وقتی بادم می‌آید حیوانات را خیلی دوست داشتم. از همان زمان خانواده‌ام خیلی حمایت کردند و خیلی هم اهل سفر و طبیعت گردی بودند. به واسطه این موضوع این علاقه شکل گرفت و مسیر هم پیدا شد. وقتی سنم خیلی کم بود شاید ۷، ۸ ساله مادرم در دوره‌هایی که برای راهنمایان گردشگری بود، شرکت می‌کرد. من هم همراه او سر این کلاس‌ها می‌نشستم. این کلاس‌ها دوره‌های مختلفی دارند مانند دوره آشنایی با خزندگان، دوزیستان، پرندگان، پستانداران و... این کار یکی دیگر از موقعیت‌هایی بود که این علاقه خیلی بیشتر شکل گرفت. غیر از این، همیشه زیاد سفر می‌رفتیم و من علاقه را در سفرها هم دنبال می‌کردم. گذشت تا این که من در ۱۵ سالگی یک مشاهده جدید برای ایران در استان سمنان ثبت کردم. سوژه، یک پستاندار حشره‌خوار بود که مقاله شد. این جا بود که بیشتر وارد محیط آکادمیک شدم و خیلی جدی‌تر خزندگان و حیات‌وحش را دنبال کردم. من همیشه خزندگان و دوزیستان را بیشتر دوست داشتم که بخشی به خاطر متفاوت بودن این گونه‌ها نسبت به دیگر شاخه‌ها بود و این که کمتر به آن‌ها توجه می‌شد. ولی در کل این اتفاق همان چیزی بود که باعث شد بیشتر وارد محیط علمی شوم و فعالیت‌هایی را انجام دهم که تا الان دیدید و دوطالبانه یا از روی علاقه شخصی بوده است. درباره محتوا هم ویدئوهای مختلفی می‌گرفتم و بعد از این که یکی، دو تارا منتشر کردم باز خورد خیلی خوبی گرفتم و باعث شد به این مسیر ادامه دهم.»

جای خزندگان و دوزیستان خالی است!

یکی از اولین سوال‌هایی که با دیدن الوند و مسیر کاری‌اش به ذهنم رسید این بود که در این مسیر می‌خواهد به چه نقطه‌ای برسد؟ پاسخش این است: «هدفم از این مسیر بیشتر این است که گونه‌های بیشتری را ببینم، نقش کوچکی در حفاظت از حیوانات داشته باشم و اندک آگاهی را که دارم با دیگران به اشتراک بگذارم. به نظر من آموزش می‌تواند به بقیه آدم‌ها خیلی کمک‌کننده این که از حیوانات حفاظت کنند که شاید درباره آن‌ها دغدغه‌مندتر شوند. در واقع جدا از علاقه فردی که دوست دارم گونه‌های مختلف را ببینم و سفر کنم، می‌خواهم بقیه هم لذت آشنایی با این گونه‌ها را تجربه کنند و به نوعی از آن‌ها بیشتر حفاظت شود. حداقل، چیزی که ترجیح می‌دهم درباره اش محتوا

تولید و در آن زمینه فعالیت کنم به چند دلیل، خزندگان و دوزیستان هستند. اول این که کمتر شناخته شده‌اند. احتمالاً همه ما اسم یوزپلنگ می‌دانیم. با بیشتر حیوانات و پرندگانی که در شهر و اطراف‌مان می‌بینیم ارتباط بیشتری برقرار می‌کنیم ولی خزندها را عمده جامعه و خود ما هم خیلی کمتر می‌شناسیم. حداقل من فکر می‌کنم این که بیشتر فعالیت‌م درباره خزندگان و دوزیستان باشد، می‌تواند یک جای خالی را تا حدی پر کند. من در این حوزه دوستان جانورشناس، خزندشناس و افراد تأثیرگذار زیادی را دیدم که همیشه دوست‌شان داشتم و از آن‌ها یاد گرفتم ولی هیچ‌وقت دوست‌نداشتم شبیه کسی شوم.»



پدر و مادر، فیلم‌بردار ویدئوهای پسر

از الوند پرسیدیم چند درصد از زندگی روزمره و بلندمدت خود را به کار خنده و دوزیست‌شناسی و پیدا کردن آن‌ها اختصاص داده است. او این سوال را کمی سخت می‌داند و می‌گوید: «بخش زیادی. شاید این کار ۸۰، ۹۰ درصد روزم را تشکیل می‌دهد. بخش زیادی از سال را هم به خاطر دیدن خزندگان و دوزیستان در سفر هستم؛ تنها یا با دوستانی که مانند من به این موضوع علاقه دارند و پایه این جور سفرها هستند.

در گذشته بیشتر سفرها را با پدرم می‌رفتم و بخش زیادی از فیلم‌برداری از گونه‌های مختلف که در صفحه‌ام بود که می‌بینید کار پدر و مادر است.



می‌خواهم در مسیری که هستم ادامه بدهم

واکنش مردم وقتی می‌دیدند یک پسر ۱۹ ساله کارشناس تور است و با این همه گونه خزند و دوزیست آشناست، چیست؟ این یکی از سوال‌های ما بود که شاید سوال شما هم باشد. الوند آخرین سوال ما را این‌طور پاسخ می‌دهد: «مردم بیشتر از آگاهی‌ام درباره گونه‌ها تعجب می‌کنند.

آسیایی یا در میان پرندگان، نام‌اغ بور را شنیدیم. چیزهای مختلفی درباره‌شان می‌دانیم. با بیشتر حیوانات و پرندگانی که در شهر و اطراف‌مان می‌بینیم ارتباط بیشتری برقرار می‌کنیم ولی خزندها را عمده جامعه و خود ما هم خیلی کمتر می‌شناسیم. حداقل من فکر می‌کنم این که بیشتر فعالیت‌م درباره خزندگان و دوزیستان باشد، می‌تواند یک جای خالی را تا حدی پر کند. من در این حوزه دوستان جانورشناس، خزندشناس و افراد تأثیرگذار زیادی را دیدم که همیشه دوست‌شان داشتم و از آن‌ها یاد گرفتم ولی هیچ‌وقت دوست‌نداشتم شبیه کسی شوم.»

[...]

پیش‌بینی حدودی از روی رفتار مارها

«چه جرئت کردی! چطور این حیوان رو دست گرفتی پسر؟»، «خب الان کناریکی از خطرناک‌ترین مارهای ایران لم دادی! چرا نمی‌ترسی خب؟»، «دیگه خیلی به قلمرو مار نزدیک شدی!»، «من خیلی از مار و خزندها می‌ترسم و اومدم این جا تا ترسم بریزه» و «سلام! پسری که مار توی آستینت پرورش می‌دی» و جملاتی شبیه این، بیشترین نظراتی است که در صفحه الوند با آن برخورد می‌کنند. او درباره این که چطور به خزندهای مانند مار افعی یا جعفری نزدیک شده است، می‌گوید: «بخش زیادی از رفتارم با خزندهای خطرناک مانند مارها به شناخت و آشنایی با آن گونه‌ها برمی‌گردد. برای مثال در ویدئویی در نزدیکی مار افعی دم‌عنکبوتی که زهرآگین است، نشستم. گونه‌ای مانند افعی دم‌عنکبوتی تا حد زیادی وابسته به استار خودش است و تمام تلاشش این است که این هم‌پوشانی را لونه‌دهد. این یکی از دلایلی بود که می‌شد خیلی به آن نزدیک شد. با این حال وقتی با این گونه‌ها کار می‌کنید می‌توانید تا حدی رفتارشان را پیش‌بینی کنید. برای مثال وقتی قرار باشد گزیدگی اتفاق بیفتد آن‌ها با صدای هشدار می‌دهند و وقتی یک گوشه آرام هستند اگر ما فاصله درستی را رعایت کنیم، اتفاقی نمی‌افتد. البته وقتی انسان با گونه‌های مختلف کار کند، می‌داند تا چه اندازه توانایی پریدن دارند. بیشتر مارهای زهرآگین نمی‌توانند بیشتر از یک سوم طول بدن‌شان را به جلو پرتاب کنند و اگر شما یک فاصله میانگین بیشتر از این مقدار با آن‌ها داشته باشید معمولاً خطری شما را تهدید نمی‌کند. در عین این که در طبیعت همیشه باید حواستان باشد ولی چیزی هست که هیچ وقت به کسی توصیه‌اش نمی‌کنم و تلاش‌م بر این است که افرادی که با این گونه‌ها آشنایی ندارند به هیچ‌عنوان این قدر به آن‌ها نزدیک نشوند.»



[...]

وقتی سنم خیلی کم بود شاید ۸، ۷ ساله مادرم در دوره‌هایی که برای راهنمایان گردشگری بود، شرکت می‌کرد. من هم همراه او سر این کلاس‌ها می‌نشستم. این کلاس‌ها دوره‌های مختلفی دارند مانند دوره آشنایی با خزندگان، دوزیستان، پرندگان، پستانداران و... این جایی دیگر از موقعیت‌هایی بود که علاقه‌ام خیلی بیشتر شکل گرفت

کلاس و کارگاه‌های مربوط به خزندها و دوزیستان دارم. برنامه‌ام برای آینده ادامه دادن همین مسیر است. شاید نظر خیلی‌ها این باشد که این رشته پول ندارد اما چیزی است که دوستش دارم، در آن موفق بودم و می‌خواهم تحصیلم را در همین زمینه ادامه بدهم.»

تا الان همیشه سعی کردم بیشتر موارد ایمنی را در برخورد با گونه‌های خطرناک رعایت کنم و در موقعیت خطرناکی قرار نگیرم. فقط یک بار توسط یک هار نیمه‌زهری گزیده شدم که زهرش خطر جدی نداشت. من تا به حال مسئله‌ای درباره درآمد نداشتم و هم اکنون یک درآمد محدودی به واسطه برگزاری

برای‌شان عجیب است که چطور این قدر اطلاعات دارم و این قدر فعالیت کردم. تک‌توک واکنش‌های منفی هم دارم که می‌گویند «هنوز سنت کم است»، «به جای این کارها برو دنبال آینده‌ات و کارایی رو انجام بده که به سنت مربوطه» ولی در مجموع خیلی واکنش‌های مثبتی می‌گیرم. من